

## دکتر سید محمد باقر کمال الدینی\*

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور یزد

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۰

(صص ۶۴-۴۷)

## معرفی منظومه عرفانی شیخ صنعان از وحدت هندی

### چکیده

منظومه عرفانی شیخ صنعان و دختر ترسا یکی از دو منظومه‌ی مستقل فارسی از داستان معروف شیخ صنعان است که محمد وحدت هندی، شاعر و عارف قرن ۱۳ه، با استفاده از روایت شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در منطق الطیر سروده است. منظومه‌ی دیگر از میرزا ابراهیم نادری کازرونی، شاعر هم دوره‌ی وحدت است.

منظومه‌ی وحدت هندی در ۲۸۰۰ بیت در قالب مثنوی بر وزن خسرو و شیرین نظامی است. وحدت در جای جای این مثنوی ارزشمند از آیات قرآن، احادیث نبوی و کلام حکما استفاده کرده و از حکایات و تمثیلات جذاب و خواندنی بهره‌جسته و بدین وسیله بر جاذبه‌های معنوی و ارزش ادبی منظومه افزوده است.

شیوه‌ی تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است.

**کلیدواژه‌ها:** شیخ صنعان و دختر ترسا، وحدت هندی، منطق الطیر، عطار.

---

\*Email: kamaladdini@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۶

## مقدمه

داستان شیخ صنعان، طولانی ترین قصه ی منطق الطیر عطار نیشابوری است که حکایت عاشق شدن شیخی از صوفیان به دختری ترسا را بیان می کند که دین و ایمان و عبادت صد ساله را می بازد و زلمر می بندد، مصحف می سوزد و خوکبانی می کند. سرانجام شیخ با از دست دادن من خود و زهد ریایی به شفاعت رسول خدا (ص) توبه می کند. (ستاری، ۱۳۷۸: ۹۹)



این حکایت قرن هاست که در میان شاعران و نویسندگان مورد توجه بوده و مشابه آن در زبان های مختلف دنیا وجود دارد. نخستین بار در ادب فارسی توسط امام محمد غزالی در کتاب تحفه الملوک به نثر روایت شده است. پس از او عطار نیشابوری آن را در خلال مثنوی ارزشمند منطق الطیر خود در ۴۱۷ بیت به نظم کشیده است. (همان: ۱۰۱)

به جز عطار، دو شاعر دیگر، داستان شیخ صنعان را به صورت منظومه مستقل به نظم کشیده اند: یکی شیخ محمد وحدت هندی و دیگری میرزا ابراهیم نادری کازورنی که در عصر قاجار می زیستند و هر دو شاعر معترفند که از منظومه ی عطار تأثیر پذیرفته اند. (یوسفدهی، ۱۳۸۱: ۲۲)

وحدت هندی این شاهکار ادب فارسی را براساس روایت عطار با تغییرات زیاد و استفاده از تمثیل و داستان های شنیدنی و زیبا با ذوق و قریحه خود به نظم در آورده است .  
نسخه های خطی موجود این منظومه عبارتند از:

۱- دانشگاه تهران ( ۴۶۱۰ ) نستعلیق ، زرین، از سده ۱۱ و ۱۲ و سراینده حسین  
وحدت یاد شده . ۱۲ گ . ۱۲ س

بیت پایانی:

وصالش نیست مقدور نظرها حجاب اولی است از نور نظرها

۲- تهران، مجلس ( ۲۳۱۹ ) نستعلیق خوش سده ۱۴ ، حدود ۲۹۰۰ بیت ، ۲۱۰ ص ،

۱۶ س

بیت پایانی :

ندارد انتها این نظم اسرار عبارت اندکی معنی است بسیار

۳- تهران، ملک ( ۵۳۶۴/۱ )، نستعلیق، ذیقعه ۱۲۵۹

بیت پایانی :

فزون نتوان زد از سرّ نمان دم سخن کوتاه شد الله اعلم

۴- تهران ، دکتر مفتاح، ج ۲/ ۱۲۴۰ در حاشیه جهانگشای نادری،

۵- موزه بریتانیا ( ۱۰۸۸۸ )، سده ۱۳ (منزوی ، بی تا: ۲۹۸۷)

۶- یزد، کتابخانه رئیس فرهمند، نستعلیق ، ۲۶۵۰ بیت، تاریخ پایان یافتن آن ۱۲۰۶هـ.

است، ۱۱۵ گ ، ۱۲ س، ابعاد ۲۱×۳۱

بیت پایانی:

وصالش نیست مقدور نظرها حجاب اولی است از نور نظرها

آغاز همه نسخه ها:

به نام آنکه بی انجام و مبدا بود در عین کثرت فرد و یکتا

در برگ ۱۱۵ نسخه فرهمند (برگ پایانی) تاریخ سه شنبه ۲۳ صفر سال ۱۲۰۶ هـ ثبت شده

است که به تاریخ زمان حیات مؤلف نزدیک است و دیگر نسخه ها تاریخ کتابت ندارند.

نسخه ی دانشگاه تهران هم در اشعار و هم در عنوان با نسخه س فرهمند هماهنگی دارد. نسخه مجلس کاستی ها و افتادگی های بسیاری دارد. چاپ محمد خاجوی ( بر اساس نسخه شخصی و نسخه ملک ) از لحاظ صحت اشعار نزدیک به نسخه فرهمند است.



این مقاله بر اساس نسخه خطی موجود در کتابخانه فرهمند یزد نوشته شده و مشخصات سبکی نسخه به شرح زیر است.:

- ۱- در همه جا به جای «چو»، «چه» آمده است.
- ۲- شکل نوشتاری برخی کلمات به شکل شنیداری آن ها آمده است:  
خاب = خواب      خار = خوار
- ۳- برخی کلمات که به «ه» غیر ملفوظ ختم شده است ، در هنگام جمع یا نسبت به «گ» بدل نشده است.
- زنده گی = زندگی      زنده گانی = زندگانی      افتاده گانی = افتادگانی
- ۴- واو عطف معمولاً حذف شده است.
- ۵- حرف «به»، «را» و «ای» همه جا به کلمات متصل نوشته شده است:  
بشمشیر ، بصحرا ، بمصر ، یوسفرا ، کای
- ۶- حرف نفی «ن» جدا از فعل منفی نوشته شده است.  
نه بوداز تاب حیرانیش معلوم      که این کعبه است یا بتخانه روم

۷- در بیشتر موارد حرف «ص» و «س» جا به جا نوشته شده است:

صدره = سدره      صبو = سبو      صدّ = سدّ      سلیب = صلیب

۸- نادرستی های املائی در متن دیده می شود:

صحبا = صهبا      ناحید = ناهید      گلذار = گلزار      مهو = محو

### پیشینه ی پژوهش

در باره داستان شیخ صنعان، پژوهش های متعدد از کتاب و مقاله به چاپ رسیده است که برخی از مهمترین آن ها عبارتند از: "پژوهشی در قصه ی شیخ صنعان و دختر ترسا" از: جلال ستاری.

"حکایت عشق صنعان" از: هومن یوسفدهی.

همچنین عبدالحسین زرین کوب در کتاب "نه شرقی نه غربی" و

محمد رضا شفیی کدکنی در مقدمه ی منطق الطیر عطاردر این باره به تفصیل

سخن گفته اند.

اما در مورد منظومه ی مورد نظر، جز کتاب "منظومه شیخ صنعان و دختر ترسا" از

محمد خاجوی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و این مقاله برای اولین بار در این

موضوع به چاپ می رسد.

### مأخذ داستان شیخ صنعان

در مورد مأخذ این قصه، اختلاف بسیار است: به اعتقاد مجتبی مینوی مأخذ آن، حکایت

شیخ عبدالرزاق صنعانی از باب دهم رساله تحفه الملوک امام محمد غزالی است. (یوسفدهی،

۱۳۸۱: ۲۱) اما عبدالحسین زرین کوب مأخذ اصلی این قصه را در یک حدیث نبوی جستجو

می کند. این حدیث را عبدالرزاق صنعانی - محاکث بزرگ - (۱۲۶\_۲۱۲ هـ.) روایت کرده

است. در باب مردی که سیصد سال در ساحل دریا عبادت می کرد. به روز، روزه می گرفت و

به شب کارش شب زنده داری بود. آخر به سبب زنی که وی بدو عاشق شد، در خدای بزرگ

کافر گشت و عباداتی را که انجام می داد فرو گذاشت. اما خداوند وی را دریافت و توفیق

توبه داد. چنین بر می آید که افسانه شیخ صنعان از آمیختن مضمون حدیث نبوی مورد بحث و نام راوی آن، شیخ عبدالرزاق صنعانی پدید آمده است. (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۲۷۰)

یکی دیگر از داستان هایی که شباهت بسیاری به حکایت شیخ صنعان دارد، قصه پورسقا یا ابن سقا، فقیه قرن ششم ه، است: روزی خواجه ابویعقوب یوسف بن حسین یعقوب برزجردی همدانی در نظامیه ی بغداد وعظ می گفت که ابن سقا برخاست و از او پرسشی نمود. خواجه یوسف به او گفت: خاموش که از دهان تو بوی کفر می شنوم. شاید مرگ تو نه بر دین اسلام باشد. پس از چندی فرستاده ی ملک روم نزد خلیفه به بغداد آمد و ابن سقا همراه وی راهی قسطنطنیه شد. در آنجا بر دختر پادشاه روم عاشق شد و او را خواستار آمد. گفتند این امر امکان ندارد، مگر آنکه دین بگردانی و نصرانی شوی. چنین کرد و به همان کیش نیز بدرود حیات گفت. بدیع الزمان فروزانفر در این مورد آورده است: " به تحقیق شهرت حکایت ابن سقا به شیخ عطار مجال آن را نمی داده است که قهرمان داستان را عوض کند و از پیش خود نام شخصی را بیفزاید، به خصوص که لفظ ابن سقا یا پورسقا نیز با وزن منطق الطیر مناسب است و عطار می توانست به جای شیخ صنعان، پورسقا بگوید. " (ستاری، ۱۳۷۸: ۱۱۳)

" تصور بنده این است که اصل داستان ابن سقا فقط رفتن به روم و مسیحی شدن بوده است. چنانکه در شعر خاقانی هم بدان اشارت شده است ( دیوان: ۲۶):

بدل سازم به زنار و به برنس      ردا و طیلسان چون پورسقا

و آن بخش که مربوط به عشق دختر پادشاه است، ترکیبی است که یک قرن بعد قصه پردازان از روی دیگر پیرنگ های شیخ صنعان که به روزگار بسیار کهن باز می گردد و روایاتی از آن در قرن پنجم مکتوب شده است ساخته اند و بر آن افزوده اند. " (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۹۷-۱۹۶)

در بسیاری از کتب لغت و تذکره های صوفیان، شیخ صنعان، شخصیتی حقیقی و مراد شیخ عطار معرفی شده است. تطبیق سال شمار زندگی عطار با زمان احتمالی وقوع حکایت شیخ صنعان غیر ممکن است؛ زیرا امام محمد غزالی سال ها پیش از به دنیا آمدن عطار، حکایت شیخ صنعان را در تحفه الملوک خود نقل کرده است و اگر شیخ عطار در غزلیات

خود اشاراتی به این داستان داشته، تنها برای تلمیح و تمثیل بوده است. در مجموع، عشق ممنوعه یک فرد مقدس مآب مثل عشق شیخ صنعان به صورت های مختلف در بسیاری از فرهنگ ها و از زمان های گذشته تا کنون مورد توجه قرار گرفته است و نویسندگان، شاعران و هنرمندان هر کدام به زبان خود به آن پرداخته اند. (ستاری، ۱۳۷۸: ۱۱۴)

### درباره ی شاعر

نامش بر اساس تذکره ها "محمد وحدت هندی" است. ولی در برگ اول نسخه ی کتابخانه ی فرهنگد یزد، همچنین نسخه ی دانشگاه تهران و نسخه ی مجلس شورای اسلامی "آقا حسین وحدت" آمده است. با این تفاوت که در نسخه ی فرهنگد، به جای هندی "رشتی" قید شده است.

تخلصش وحدت و اصلش از کلتکه ی هند است. پدرش از قضات آن شهر بوده و از علوم ظاهری بهره داشته و در اوایل جوانی از کشور خارج و شروع به سفر می کند. از جمله به ایران می آید و چند سالی در ایران می ماند و در خدمت جمعی از عرفا و علمای بزرگ مانند میرزا ابوالقاسم شیرازی و محمد جعفر همدانی به تحصیل علوم می پردازد و در حکمت طبیعی و شاعری مهارت پیدا می کند.

عباس اقبال آشتیانی درباره ی او نوشته است: "در انتخاب لغات و تلفیق جمل و طرد قوافی و بیان افکار بکر، همسنگ دل سوخته ترین شاعران داستانسرا یعنی وحشی بافقی است." (یوسفدهی، ۱۳۸۱: ۲۴۲)

### آثار وحدت

"بر اساس تذکره ی هدایت که با وحدت همدوره بوده و با او ملاقات داشته؛ وحدت به جز منظومه شیخ صنعان و دختر ترسا، اشعار بسیاری در انواع مختلف داشته که چند نمونه از اشعار او را می آورد. استحکام و زیبایی اشعار نشان می دهد، وحدت باید آثار مهم دیگری هم داشته باشد که به دست ما نرسیده است. چند بیتی از آن اشعار:

هر سوی ره عشق تو صد قافله دارد هر قافله از دوری منزل گله دارد

آزاد شد از کشمکش فکر دو عالم هر دل که ز زلف تو به پا سلسله دارد

\*\*\*

زاهد ار پاکدامنی خواهی خرقه را در خم شراب انداز  
درد عشق ای حکیم گر طلبی دفتر حکمتت در آب انداز

\*\*\*

ای که خود را شناسی و خدا می گویی جان درویش کجایی ز کجا می گویی؟  
آنکه دیده است رخ یار به خود حیران است من به حیرت که تو نادیده چها می گویی

\*\*\*

آزاد شد از کشمکش فکر دو عالم هر دل که ز زلف تو به پا سلسله دارد  
( دیوان بیگی شیرازی ، ۱۳۶۶: ۸۵ )

### شیوه ی کار وحدت

وحدت مانند بیشتر شاعران، منظومه ی خود را با حمد و سپاس خداوند در بحر « هزج مسدس محذوف » با سپاس و مناجات حق تعالی آغاز می کند:

به نام آنکه بی انجام و مبدا بود در عین کثرت فرد و یکتا  
حریم بی نیازی خلوت اوست جهان آینه دار طلعت اوست

( وحدت، ۱۲۰۶: ۱ )

سپس طی چند عنوان و تمثیل به بیان دیدگاه های عرفانی و فلسفی خود در مورد جهان هستی به خصوص موضوع «وحدت وجود» می پردازد:

نخستین وحدت حق جلوه گر بود که شد از ظلّ وحدت نقطه موجود  
پس آنکه نقطه شد در ظلّ سیّار به صورت گشت الف از وی پدیدار  
مکرر گشت چون این نقطه ظاهر عیان شد تا و ثناء اندر مظاهر

(وحدت، ۱۲۰۶: ۳)



بعد از آن، در ۱۵ بیت به منقبت حضرت رسول اکرم (ص) می پردازد. او در بعضی از قسمت ها، حکایت های تمثیلی - تعلیمی خود را با عنوان همراه می سازد و آنگاه در ضمن اشعار، به منقبت حضرت علی (ع) می رسد:

دل وحدت بود آن چاه پر خون      که رمزی دیده از اسرار بی چون  
علی را چون ندارم جاودان دوست؟      که پیر و رهنما و مرشدم اوست  
(وحدت، ۱۲۰۶: ۹)

بعد از آن، حکایت شیخ صنعان و دختر ترسا را این گونه آغاز می کند:

حدیث عشق بهر جان شیدا      زبان دل بدین سان کرده گویا  
که در ام القری از اهل عرفان      فقیهی بود نامش شیخ صنعان  
(وحدت، ۱۲۰۶: ۱۰)

او در ضمن داستان، از زبان خود یا قهرمانان داستان، تمثیل ها و حکایت های آزموده ای را بیان می کند:

عنوان: اشاره به آنکه اگر معشوق از عاشق روی پوشیده، صلاح او در آن دیده است:  
شبی از بلبل آتش زبانی      ز بزم گل شنیدم داستانی  
که مردی از عرب از عشق جانسوز      ز آتش زنده چون شمع شب افروز  
شده قانع به عشق روی دلبر      به خاکستر نشینی همچو اخگر...  
(وحدت، ۱۲۰۶: ۳۲)

پس از آن وحدت به طرح موضوعات عرفانی می پردازد که مهمترین آن ها این عناوین است: مشاغل صوری و اصلان مانع صور قلبی نیست، وحدت عددی اصل و مبدا موجودات است، جامعیت نفس ناطقه انسان در معارف و حقایق الهی نتیجه ی انتساب او به حق تعالی است.

### وحدت و سبک بازگشت ادبی

جنبش بازگشت ادبی در اواسط قرن دوازدهم رخ داده است که شاعران به دلیل انحطاط سبک هندی به اشعار گذشتگان روی می آورند و به سبک خراسانی و عراقی شعر می گویند.

آن‌ها از لحاظ زبانی و هم از لحاظ فکری از آثار گذشتگان تقلید می‌کنند. هر چند وحدت از لحاظ تاریخی، در اواخر قرن دوازدهم می‌زیسته است؛ اما با نگاهی گذرا بر این منظومه و اشعار دیگر او به آسانی می‌توان دریافت که شاعر در سرودن آن‌ها از سبک عراقی تأثیر پذیرفته است.

### خصایص مشترک شعر وحدت و سبک عراقی

مخالفت با حکمت و فلسفه و بها دادن به عشق و شیوه کشف و شهود در شناخت، تقلید از نظامی، عطار، مولانا و شاعران سبک عراقی در بیان مضامین عرفانی و اخلاقی در خلال حکایت‌ها و داستان‌ها و استفاده از زبان سمبلیک. اعتقاد به وحدت وجود که هسته اصلی تفکر عرفانی خصوصاً در سبک عراقی است. استواری توأم با لطافت و زیبایی اشعار. استفاده از تشبیهات، کنایات و آرایه‌های ادبی دیگر. کاربرد اصطلاحات: پیرمغان، زاهد، ترسا بچه و...

### خصایص مشترک شعر وحدت و سبک هندی

وحدت از تأثیر سبک هندی که در زمان او در حال انحطاط بوده نیز برکنار نمانده و از لحاظ زبانی و استفاده از اصطلاحات و موتیف‌ها به شعر سبک هندی بسیار نزدیک است. برخی از این مشترکات شعر وحدت و سبک هندی عبارتند از: بیان خیالات باریک و مضامین پیچیده، استفاده از کلماتی مانند: نزاکت، شیشه، داغ، سفال، سپند، سرمه، سمندر، مخمل، رنگین و... آوردن موتیف‌هایی مثل عشق به سرو، پاک کردن آینه با خاکستر. واقع‌گرایی و وصال عاشق و معشوق در پایان حکایت.

وحدت به تقلید صرف از آثار گذشتگان اکتفا نکرده و درعین تأثیرپذیری از سبک عراقی و هندی با ترکیب این دو سبک، اشعاری زیبا و استوار و در نوع خود منحصر به فرد سروده است.

## وحدت و عطار

عطار شاعر بزرگ سبک عراقی است و وحدت نیز در شاعری دنباله رو سبک عراقی به خصوص شیوه عطار بوده و در منظومه اش جهان بینی و تفکر عرفانی عطار و شیوه بیان او در استفاده از رموز و سمبل ها کاملاً مشهود است و ارادت و شناخت عمیق او را از این شاعر بزرگ نشان می دهد.

وحدت در ابیات پایانی منظومه شیخ صنعان و دختر ترسا، تصریح می کند که با روایت شیخ صنعان عطار نیشابوری آشنایی داشته و با الهام گرفتن از آن، مثنوی نو و قابل توجه ای را عرضه داشته است.

او در ضمن حکایت از زاهد ریا کاری که از عطار انتقاد می کند، اینگونه می گوید:

قضا را داشت زاهد با مریدان	حدیث ماجرای شیخ صنعان
که عطار آن به سودای جنون طاق	به ترک عقل و دین مشهور آفاق
نکرده امتیاز از کعبه و دیر	چنین فرمود اندر منطق الطیر
که صنعان از پس صد ساله تقوی	ز دین بگذشت در سودای ترسا
صلیب افکند و مصحف سوخت ناچار	ز سودای صنم بریست زنار...

(وحدت، ۱۲۰۶: ۱۱۲)

## وحدت و قرآن

وحدت با قرآن و احادیث معصومین مأنوس بوده و برای توضیح مفاهیم و معانی بلند عرفانی، کلام وحی را بسیار استادانه در اشعارش گنجانده است. از جمله آیاتی از سوره های اعراف، نجم، یوسف، بقره، قدر و... برای نمونه به بیت آخر منظومه توجه کنید که برگرفته از آیه ۴۵ سوره نساء است:

فزون نتوان زد از سرّ نھان دم سخن کوتاه شد « الله اعلم »

(وحدت، ۱۲۰۶: ۱۱۵)

## وحدت و عرفان

اشعار وحدت نشان می دهد که او به وحدت وجود قائل بوده و مانند عطار به صوفیان و درویشان علاقمند و از زاهدان متعصب و ریا کار بیزار است. همچنین منظومه ی او تداعی کننده حکایت سی مرغ منطق الطیر است که بعد از طی مراحل و مبارزه با موانع به سمیرغ رسیدند، وحدت، شاعر و عالمی عارف و پرهیزکار و اهل ذوق و حال بوده است. او نور خدا را در همه جا و همه چیز متجلی می بیند:

ز هر سو جلوه روی نکویت	به هر جا برقع دیگر به رویت
نمود از محمل رخسار لیلی	رخت بر خاطر مجنون تجلی
زلیخا در رخ یوسف تو را دید	که شد در شرک، مست جام توحید
بود از بس جمالت لا ابالی	کند از کفر و از ایمان تجلی...

(وحدت، ۱۲۰۶: ۱)

## وحدت و عشق و عقل

وحدت هندی همچون عرفا و صوفیان معتقد است که زیبایی وجود خداوند در موجودات تجلی کرده و وجود واحد او در همه چیز متکثر گشته است. تنها از طریق عشق به زیبایی های آفرینش و کشف و شهود می توان مدّیت را از بین برد، روح را صیقل داد و سرانجام به عشق حقیقی و الهی رسید.

جهان آینه آن روی نیکوست      که در آن ناظر و منظور هم اوست

(وحدت، ۱۲۰۶: ۳)

وحدت دبا وجود این جهان بینی عارفانه، عقل را از زبان خود عقل به خوبی توصیف می کند:

ز من شد مشّت گل، انسان دانا	ز من گردید شرع حق هویدا
ارسطو رسم حکمت از من آموخت	فلاطون شمع دانش از من افروخت...

(وحدت، ۱۲۰۶: ۴۶)

اما در ابیات بعدی از زبان شیخی عاشق خطاب به عقل می گوید:

کنون هستم به حکم عشق مامور  
تو ای عقل سلامت کیش محمود  
مرنج از من که المامور معذور  
ز ما تا روز محشر باش بدرود  
که عشق از غیر دارد بی نیازی  
چه نسبت عقل را با عشقبازی...

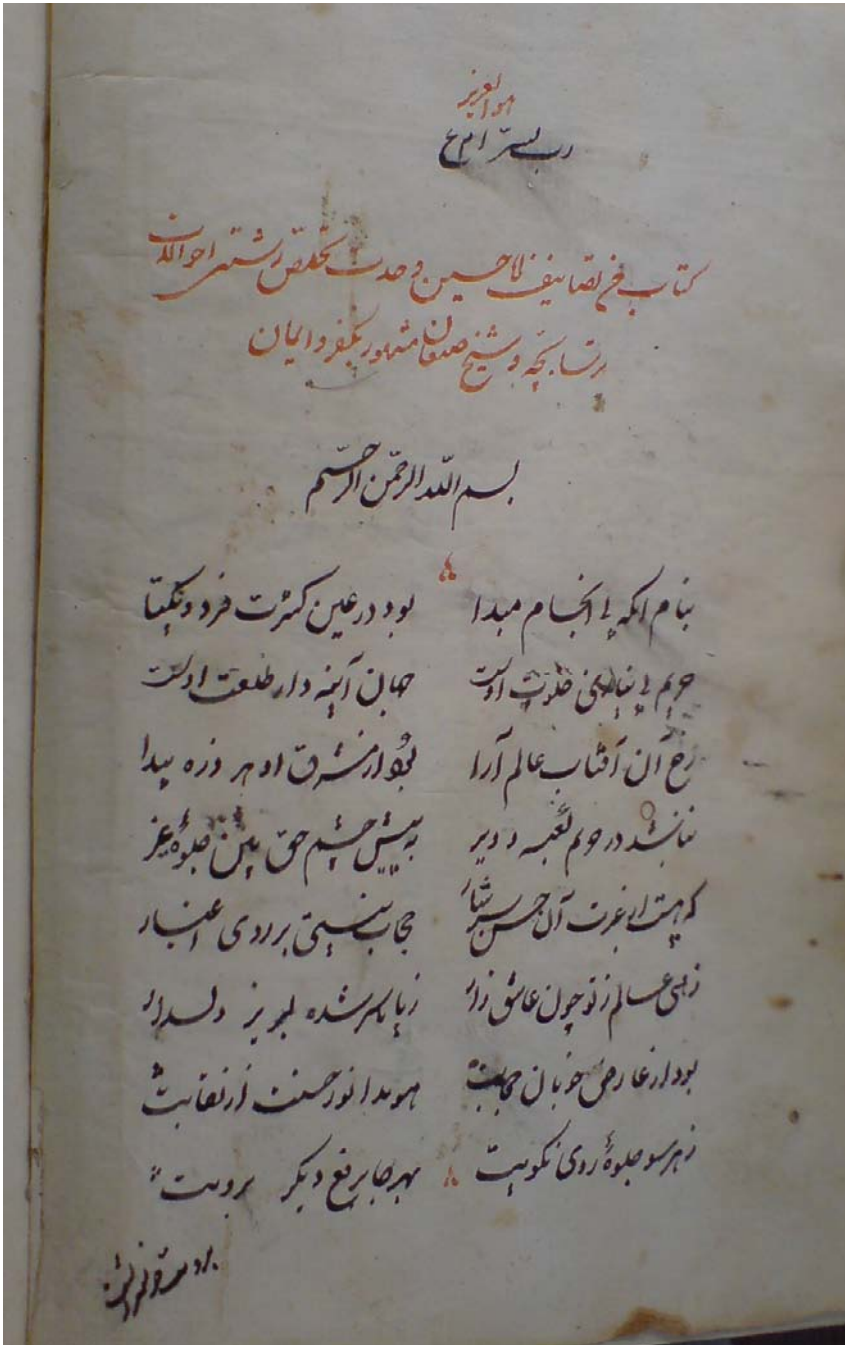
(وحدت، ۱۲۰۶: ۴۷)

### نتیجه

داستان شیخ صنعان، یکی از زیباترین داستان های عرفانی در ادب فارسی است. علاوه بر عطار نیشابوری در منطق الطیر که این داستان را به صورت خلاصه بیان کرده است، دو شاعر دیگر شکل مکمل داستان را به صورت منظومه ای مستقل عرضه کرده اند. یکی از آن دو وحدت هندی است که تحت تأثیر عطار در قرن ۱۳ ه. این منظومه را سروده است. این مقاله ضمن معرفی وحدت هندی و منظومه او به ذکر مواردی از تأثیر پذیری وحدت از عطار و سبک عراقی زمان عطار و سبک هندی دوره خود، همچنین تأثیر از قرآن و حدیث و... می پردازد.

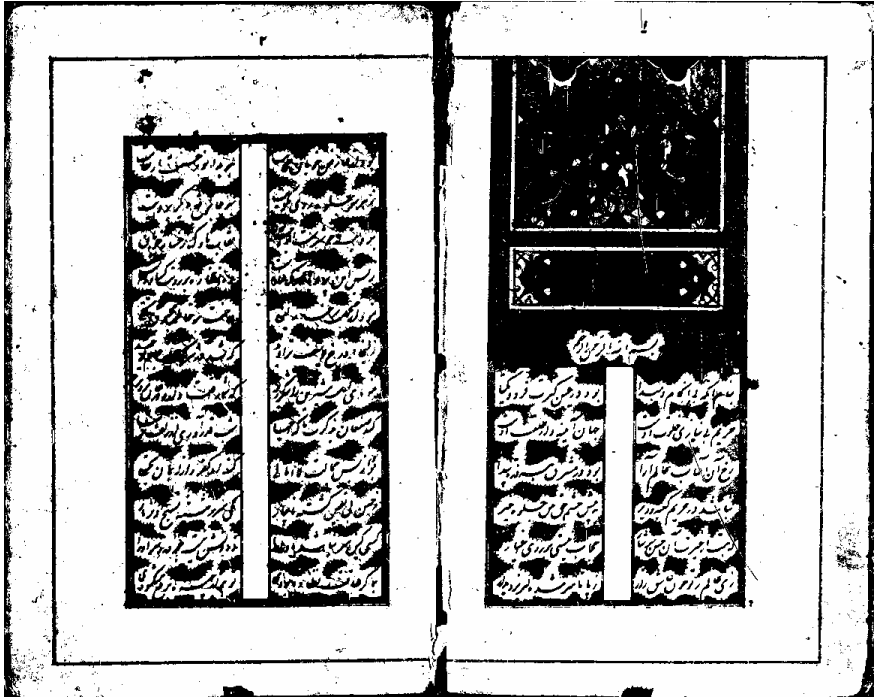
## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- خاجوی، محمد (۱۳۶۳) **منظومه شیخ صنعان و دختر ترسا**، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری
- ۳- دیوان بیگی شیرازی، سید احمد (۱۳۶۶) **حدیقه الشعرا**، تهران: انتشارات زرین
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳) **نه شرقی نه غربی**، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۵- ستاری، جلال (۱۳۷۸) **پژوهشی در قصه شیخ صنعان و دختر ترسا**، تهران: نشر مرکز.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۳) **منطق الطیر عطار**، تهران: انتشارات سخن.
- ۷- متزوی، احمد، (بی تا) **فهرست نسخه های خطی فارسی**، جلد چهارم، تهران: موسسه فرهنگی منطقه ای.
- ۸- وحدت هندی، محمد (۱۲۰۶) **منظومه شیخ صنعان و دختر ترسا**، نسخه خطی کتابخانه رئیس فرهمند یزد.
- ۹- یوسفدهی، هومن (۱۳۸۱) **حکایت عشق صنعان**، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

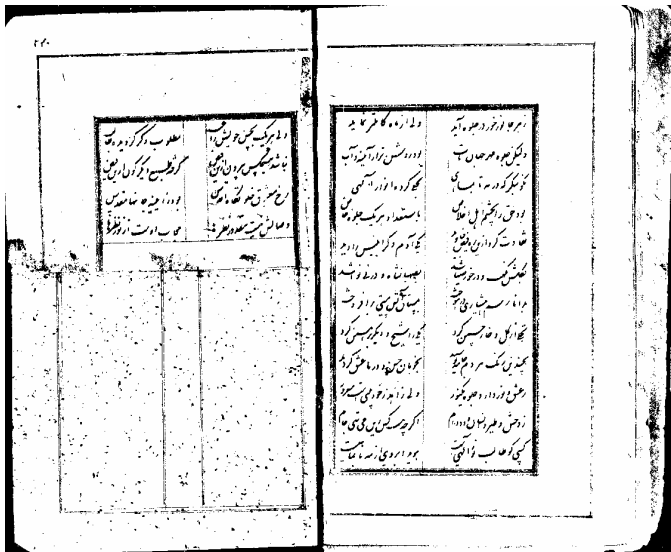


رخ معشوق خرد نگاه اندس؛ بوز آینه جانها معدس  
 و صاش منت مقدر نظر ما **بچه** حجاب لبست از فور نظر ما  
 ای صبا از مرده اسم علی فریاد بگو  
 زنده بر گشتن ز کور در شیطانی  
 کفتا بولی حق نبر مطلق **وله** شناخت ترا کسی بغیر از حق  
 با حق در شناخت کس بغیر از من و تو  
 شناخت مرا کسی بغیر از تو و حق  
 تم بون الملک المنان  
 فی یوم الثلث  
 ۳۳  
 از روز و روزگار چه گویم که در **م** هم روزم زبیده هم روزگار کن  
 نظر تو رسن بر بیان **و** نسخه خود که **ب** بوکتی وقت لایینه محرر استم  
 بخش چون غبت بر آرم از کس **و** خدا با مرغ بجان دیده ام که بر نورانم





برگ اول نسخه دانشگاه



برگ آخر نسخه دانشگاه

